The Comparative Survey About Basis and Legal Effects About Interference of Parties in Conditioned Contract's Period of Suspension in Iranian Law and The Principles of European Contract Law

Milad Roham Pour
Department of law, faculty of human science, University of Guilan, Rasht, Iran (Corresponding Author)
roham258@gmail.com

Seyed Mohammad Asadi Nezhad
Department of Law, faculty of literature and human science, University of Guilan, Rasht, Iran
asadinezhad@guilan.ac.ir

Akbar Amanpour
Department of Law, faculty of literature and human science, University of Guilan, Rasht, Iran
ak.iman@yahoo.com

Received: 2025-07-7 **Accepted: 2025-09-21**

Journal of Research and Development in Comparative Law

Iranian Law and Legal Research Institute

Vol. 9 | No. 31 | Summer 2026
(Original Article)

www.jcl.illrc.ac.ir

DOI:
10.22034/law.2025.2064967.1670

Abstract

During the suspension period of the contract, the intervention of the parties regarding the suspensive condition is effective in the legal consequences of the contract, whether it concerns the suspension of the original contract or its dissolution, which is called a resolutive condition. If one of the parties to the contract fails to fulfill its contractual obligations during the suspension period and prevents the fulfillment of the suspensive condition against good faith, what is the legal status of the contract and its effects in Iranian law compared to PECL? In PECL, since this action is against good faith and fair dealing, the rule is that the suspensive condition is presumed to be fulfilled and the the contract produces its legal effects. The same ruling applies to a resolutive condition, and the party to the contract can consider it fulfilled and the contract terminated.

Such termination has effects equivalent to those of nullity of the contract. However, this guarantee of performance is assignable in some cases, and such a right is not envisaged for the beneficiary. According to the estoppel rule and the theory of waiver of rights and similar cases, the interference of a third party will not be a guarantee of the above-mentioned performance. In Iranian law, according to the no-harm rule, the principle of pacta sunt Servando (اصل وفای به عهد) and the theory of the implied terms, the guarantee of the execution of the decree can be considered a suspensive condition in the event of the undue interference of the other party to the current contract, and in some cases, the right to claim damages for delay in the performance of the obligation is also open.This article examines the intervention of each party using a descriptive-analytical method and library-type tools. However, there is no provision in Iranian law on this matter. There is no explicit text in Iranian law and the court procedures are not the same, but considering the rules governing contracts, the assumption in PECL can be extended to Iranian law. However, considering the spirit of the laws and legal doctrine, citing the collusive and implied terms of the contract and the common expectation that is assumed for the parties, and considering the recent ruling as valid, the wrongdoer must also bear the losses incurred.

Keywords: Conditioned Contract, Iranian Law, PECL, Fair Dealing, Interference

Creative Commons Attribution-NonCommercial 4. International

بررسی تطبیقی مبانی و آثار حقوقی مداخله طرفین در دوره تعلیق قرارداد معلق در حقوق ایران و اصول حقوقی قراردادهای اروپا

میلاد رهام‌پور
دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه گیلان، رشت، ایران (نویسنده مسئول) roham258@gmail.com

سیدمحمد اسدی‌نژاد
دانشیار گروه حقوق خصوصی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه گیلان، رشت، ایران asadinezhad@guilan.ac.ir

اکبر ایمان‌پور
استادیار گروه حقوق خصوصی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه گیلان، رشت، ایران ak.iman@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۳۰

فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی
پژوهشکده حقوق و قانون ایران
دوره ۹| شماره ۳۱| تابستان ۱۴۰۵
(مقاله پژوهشی)
www.jcl.illrc.ac.ir
DOI:
10.22034/law.2025.2064967.1670

چکیده

در دوره تعلیق قرارداد، مداخله طرفین نسبت به‌شرط تعلیقی در سرنوشت قرارداد مؤثر است، چه ناظر به تعلیق اصل قرارداد باشد و چه ناظر به انحلال آن که شرط فاسخ نام دارد. اگر یکی از طرفین قرارداد در دوره تعلیق به تکالیف قراردادی خود عمل ننماید و برخلاف حسن‌نیت، مانع از تحقق شرط تعلیقی گردد، در این صورت، وضعیت حقوقی قرارداد و آثار آن در حقوق ایران در مقایسه با PECL چگونه است؟ در PECL چون این عمل برخلاف حسن‌نیت و معامله منصفانه بوده اصل بر این است که شرط تعلیقی محقق فرض می‌گردد و قرارداد دارای اثر است. نسبت به شرط فاسخ نیز همین حکم جاری است و مشروط له می‌تواند آن را تحقق‌یافته و قرارداد را منفسخ بداند که چنین انفساخی مانند اثر بطلان قرارداد است در حقوق ایران نص صریحی وجود ندارد و رویه محاکم نیز یکسان نیست، اما با توجه به قواعد حاکم بر قراردادها می‌توان فرض موجود در PECL را به حقوق ایران نیز تسری داد. این ضمانت اجرا در مواردی قابل تخصیص است و چنین حقی برای ذی‌نفع متصور نیست چرا که منشأ ضرر ناروا نسبت به طرف دیگر خواهد بود.

حسب قاعده استاپل و نظریه انصراف از حق و مواردی ماند دخالت شخص ثالث ضمانت اجرای فوق جاری نخواهد بود. در حقوق ایران حسب قاعدة لاضرر، اصل لزوم وفای به عهد و نظریه شرط ضمنی قراردادی می‌توان ضمانت اجرای تحقق حکمی شرط تعلیقی را در صورت مداخله ناروای طرف دیگر قرارداد جاری دانست و در مواردی باب مطالبه خسارت تأخیر در اجرای تعهد نیز مفتوح است. در این مقاله با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و ابزار از نوع کتابخانه‌ای به بررسی مداخله هریک از طرفین می پردازد؛ اما در حقوق ایران مقرره‌ای در این مورد تصریح نشده است. با توجه به روح قوانین و دکترین حقوقی با استناد به شروط تبانی و ضمنی قرارداد و انتظار متعارفی که در آن برای طرفین متصور است، ضمن اینکه حکم اخیر را جاری دانست، شخص خاطی باید از پس زیان‌های وارده نیز برآید.

کلیدواژه‌ها: قرارداد معلق، حقوق ایران، اصول حقوقی قراردادهای اروپا، معامله منصفانه، مداخله

مقدمه

امروزه تعلیق نمودن قرارداد امری شایع و متداول در معاملات است. در شرایطی که اوضاع اقتصادی نوسانات زیادی دارد، هر یک از طرفین نسبت به انجام تعهدات خود در آینده بیم دارند و این امر برای طرف دیگر نیز مخاطره‌آمیز و توأم با اضطراب است. تحصیل آثار قراردادی در قراردادهای معلق که مقصود اصلی است منوط به تحقق شرط تعلیقی خواهد بود (اسدی نژاد، ۱۴۰۳: ۱۵). اعم از اینکه ناظر به تعلیق در انعقاد آن باشد و یا تعلیق در انحلال آن که در حقوق ایران شرط فاسخ نام دارد (کاتوزیان, ۱۳۹۳: ۱۷۳/۵). از مسائل مهمی که دراین‌خصوص موردبحث است، نشان‌دادن حسن‌نیت مشروط علیه نسبت به تحقق یا عدم تحقق شرط تعلیقی است که به‌نوعی تکلیف قراردادی وی محسوب می‌شود. این موضوع چه در مورد شرط تعلیق ابتدایی (تعلیق در انعقاد قرارداد) و چه در تعلیق انتهایی (شرط فاسخ) وجود دارد. در PECL رفتار طرفین قرارداد از مرحله مذاکره و قبل از قرارداد تا انعقاد و اجرای آن باید بر مبنای حسن‌نیت و در جهت تحصیل هدف قرارداد باشد. بعد از انعقاد قراردادِ معلق تا زمان حصول شرط تعلیقی، دوره‌ای وجود دارد که متضمن حقوقی برای طرفین است و آنان را ملزم به رعایت حقوق یکدیگر و همکاری متقابل در راستای هدف قرارداد خواهد کرد. در PECL و اسناد دیگر از جمله اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی (PICC) و یا مقررات داخلی کشورهای اروپایی، امر مذکور موردتوجه واقع شده است به‌نحوی‌که اگر هریک از طرفین در دوره تعلیق قرارداد، خلاف حسن‌نیت مداخله‌ای ناعادلانه در جهت تحقق یا عدم تحقق شرط تعلیقی نماید و حقوق طرف دیگر را حفظ نکند، مشمول ضمانت اجرای آن خواهد شد (Honnold, 2023, p.168). در خصوص نوشتار فعلی، تحقیق جامع و مفصلی ارائه نشده است و می‌تواند به این دلیل باشد که مقنن ایرانی مقررات جامعی در مورد تعلیق قرارداد وضع نکرده است. موضوع حاضر، در کتابها و مقالات خارجی و مقررات مدون کشورهای اروپایی وارد گردیده و مفصل موردبحث واقع شده است. در این تحقیق مشخص می‌گردد اگر طرفین قرارداد مداخله ناروایی نسبت به تحقق یا عدم تحقق شرط تعلیقی انجام دهند وضعیت حقوقی قرارداد چه خواهد بود و ذی‌نفع چه حقوقی دارد. چه در شرط تعلیقی ابتدایی (تعلیق در اصل قرارداد) و چه در تعلیق انتهایی (شرط فاسخ) این موضوع در قانون مدنی ایران موردتوجه قرار

نگرفته و حدومرز و ضمانت اجرایی برای آن ذکر نشده است. البته مقررات مربوط به تعلیق قرارداد در قانون مدنی، بسیار محدود بوده که نیازمند بازنگری و تدوین مجدد است.

۱- رفتار منصفانه در قرارداد معلق

در هر قراردادی طرفین عرفاً باید در مقابل یکدیگر مراتب حسن‌نیت و معامله منصفانه را لحاظ نمایند هرچند که در قرارداد به آن تصریح نشده باشد. حسن‌نیت از نظر لغوی به معنای دارابودن اراده‌ای صادقانه و اخلاق‌مدار نسبت به طرف مقابل برای انجام امور است. بعضی آن را مترادف صداقت و درستکاری می‌دانند (عمیدزنجانی، ۱۳۸۲: ۴۹) که معادل واژه "Good faith"در زبان انگلیسی و معادل واژه فرانسوی "La bonne foi"و معادل واژه آلمان"Treu und glauben" است (صفایی، ۱۳۸٦: ۳۸٦). در واژه‌نامه آکسفورد برای حسن‌نیت، معادل"Honest "یا صداقت نیز ذکر کرده‌اند (Simpson & Weiner, 2004, p.3/654) عملی با حسن‌نیت است که توأم با صداقت باشد. برخی دیگر معنی آن را فراتر از صداقت داشتن در انجام کار می‌دانند. در مجموعه PECL از واژه معامله منصفانه نیز استفاده شده است. به نظر می‌رسد به معنای رعایت انصاف در عالم عمل باشد و متضمن مفهومی نوعی است. در حقوق امریکا این واژگان دارای مفاهیم ذکر شده به‌صورت مجزا هستند .(Blum A, 2007, p.207) در حقوق فرانسه و آلمان این دو واژه دارای یک مفهوم هستند. برای مثال حقوق‌دانان فرانسوی بر این باورند که در قراردادهایی که اطلاعاتی در اختیار طرف مقابل قرار می‌گیرد در هر مرحله از آن وی ملزم به حفظ اسرار است و هیچ استفاده‌ای نباید از آن نماید در غیر این صورت مسئولیت مدنی متوجه او خواهد بود (محمدی و جواهرکلام، ۱٤۰۱: ۹٦) در مورد قرارداد معلق اگر یکی از طرفین قرارداد مانع اجرای شرط تعلیقی شود، ممکن است که حصول یافته فرض گردد و اگر تحقق شرط تعلیقی توسط یک طرف برخلاف حسن‌نیت یا همکاری متقابل او ایجاد گردد، طرف دیگر قرارداد ممکن است شرط تعلیقی حاصل شده را نپذیرد (در شرط فاسخ[۱]). حسن‌نیت به‌عنوان یک قاعده فراگیر در کل سند PECL جاری است که باید از مرحله مذاکرات قرارداد

[۱] در حقوق انگستان و امریکا شرط فاسخ با نام *subsequent condition* و یا *resolutive condition* و در حقوق فرانسه با نام *condition Re solutoire* مشهور است. در حقوق ایران نیز برخی آن را شرط نتیجه معلق می‌دانند.؟

تا اجرای آن رعایت شود (Lando & Beale, 2007, p.113) هدف این اصل اعمال استانداردهای مشترک در معاملات تجاری است. این اصل مکمل سایر مقررات PECL است و در حالتی که تبعیت از مقررات PECL، نتایج ناعادلانه‌ای در برداشته باشد، اصل حسن‌نیت بر سایر اصول مقدم خواهد بود (Fransworth, 1995, p.125).

ماده ۵۵۰ قانون مدنی فرانسه در باب بیع بیان کرده است که «خریدار زمانی حسن‌نیت دارد که به‌موجب یک سبب قانونی و بدون علم به معایب مورد معامله اقدام به تصرف آن نماید و از زمان کشف امر غیرقانونی در خصوص معامله، حسن‌نیت او از بین می رود». البته در ماده ۱۱۶۲ قانون مدنی فرانسه حسن‌نیت متعاملین مفروض است مگر اینکه در محکمه خلاف این امر حسب قراین و تشخیص دادگاه احراز گردد (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۶). در حقوق کنونی فرانسه انحلال قهری قرارداد به‌موجب ایجاد شرط فاسخ به دلیل رعایت نظم عمومی و بقای معاملات متروک شده است (Flemegas, 2001, p.350) و برای تأثیرگذاری این شرط لزوماً انحلال باید توسط مشروط له مورد استناد قرار گیرد که خود منوط به اعلام قبلی به طرف دیگر قرارداد در یک مدت زمانی متعارف برای ایفای تعهدات خود است. این امر بر مبنای مداخله در حصول شرط تعلیقی کاربرد خاصی از حسن‌نیت و معامله منصفانه است. البته این روند در مقررات PECL و حتی حقوق ایران به چشم نمی‌خورد. به‌هرحال این رویه بسیار کارآمدتر و معقول جلوه می‌نماید چرا که ابتکار انحلال قرارداد با مشروط له بوده و وی می‌تواند از آن صرف‌نظر نماید و قرارداد را ابقا کند (کریمی، و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۵۳). اینکه گفته شود به‌مجرد حصول شرط فاسخ، قرارداد خودبه‌خود منحل می‌گردد نظر صحیحی نبوده و خلاف اصل صحت است. البته حسب مقررات مدنی ایران چنین نظری صحیح نیست؛ زیرا اثر شرط فاسخ بدون اراده طرفین منجر به انحلال خودبه‌خودی قرارداد می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۱۳۵/۳)، مگر اینکه به‌موجب توافق بعدی قرارداد ادامه یابد. در رویه تجاری، طرفین قرارداد ممکن است خودشان به طور واضح اصل حسن‌نیت را در قرارداد درج نکنند، اما طرفین باید همه تلاش عرفی خود را در جهت تحقق مفاد قرارداد معمول دارند (جعفرزاده و سیمایی صراف، ۱۳۸۲: ۱۷۵). طرف قرارداد ملزم نیست تمام تلاش‌های متعارف را برای تحقق شروطی

که مورد رضایت قرار گرفته است به کار بگیرد.

همکاری متقابل

ماده ۱۱۳۵ قانون مدنی فرانسه مقرر می‌دارد: «عقود علاوه بر تصریحات قراردادی، عاقد را به مقتضیات عرف و عدالت و عمل منصفانه و تعهد ناشی از عقود ملزم می کند» بنابراین قدرت عرف در بسیاری از موارد ملاک صدور احکام دادگاه قرار دارد. در بسیاری از کشورها مباحث مذکور در ردیف هم به کار می‌روند. حسن‌نیت خودبه‌خود به‌عنوان شرط ضمنی در قراردادهای مشمول PECL وجود دارد. بر همین اساس در بسیاری از قراردادها میزان همکاری طرفین در تحقق اهداف و مفاد قراردادی نقش مهمی دارد. زمانی که طرفین قرارداد در دو مکان متفاوت و دور از یکدیگر مستقر هستند. عملکرد یک طرف به طور مستقیم به تعهدات طرف دیگر وابسته است (Malaurie & Stoufflet, 2016, p.1/230-233). تمایز بارزی در PECL و حقوق داخلی کشورها مانند فرانسه در خصوص شروط تعلیقی وجود ندارد. در ماده ۱:۲۰۲ PECL[1] ذکر گردیده: «هر طرف قرارداد به‌منظور اجرای کامل قرارداد مکلف به همکاری با طرف دیگر است». در ماده ۱-۳-۵ PICC[2] نیز این تکلیف پیش‌بینی شده است. البته تکلیف به همکاری با وفای به عهد متفاوت است. تکلیف به همکاری یعنی به طور غیرمستقیم اقداماتی انجام شود که در راستای وفای به

---

[1] Article 1:202: Duty to Co-operate

Each party owes to the other a duty to co-operate in order to give full effect to the contract.

ماده ۱:۲۰۲: وظیفه همکاری

هر یک از طرفین در قبال دیگری وظیفه دارد که برای اجرای کامل قرارداد، همکاری کند.

[2] ARTICLE 5.3.1

(Types of condition)

A Contract Or A Contractual Obligation May Be Made Conditional Upon The Occurrence Of A Future Uncertain Event, So That The Contract Or The Contractual Obligation Only Takes Effect If The Event Occurs (Suspensive Condition) Or Comes To An End If The Event Occurs (Resolutive Condition).

ماده ۵،۳،۱

(انواع شرط)

یک قرارداد یا تعهد قراردادی می‌تواند مشروط به وقوع یک رویداد نامشخص در آینده باشد، به طوری که قرارداد یا تعهد قراردادی فقط در صورت وقوع آن رویداد نافذ باشد(شرط تعلیقی) یا در صورت وقوع آن رویداد خاتمه یابد (شرط قطعی).

عهد و زمینه‌ساز آن است. در PECL آنچه ملاک است ماهیت رویداد موردنظر است و در مورد تلاش یک طرف قرارداد برای تحقق مفاد قرارداد حتی مبنی بر قابلیت الزام تکلیف به همکاری وارد نشده است. برای مثال در قراردادهای صادرات کالا تهیه تمام مدارک لازم جهت تحویل کالا در کشور دیگر می‌تواند به‌عنوان شرط تعلیقی در نظر گرفته می‌شود که تحقق آن به اراده طرف دیگر منوط بوده و در صورت امتناع متعهد، قرارداد منتفی می گردد[1]. وضعیت چنین قراردادی طبق مقررات PECL بطلان است (Beale, 2004:1/ 652)، در نتیجه نسبت به تلاش و همکاری طرف مقابل در راستای تحقق شرط تعلیقی مقرره و تکلیفی مقرر نشده است، اما حسب قاعده عمومی رعایت حسن‌نیت و معامله منصفانه که در تمام معاملات و عقود باید لحاظ گردد و در PECL به آن تصریح شده است، انجام امور متعارف در راستای همکاری متقابل که بتواند منجر به تحقق شرط تعلیقی گردد نه‌تنها با منعی مواجه نیست؛ بلکه ضروری به نظر می‌رسد.

نظریه اعتماد یکی از مبانی توجیهی رعایت عمل منصفانه در راستای تحصیل هدف قرارداد در حقوق خارجه است (Renault Brahinsky, 2020, p.350). این امر در راستای اصل حسن‌نیت وارد مبانی حقوقی خارجه گردیده است. در ماده ۱۴ لایحه جدید تجارت ایران مقرر گردیده که: «هیچ شخصی در مذاکرات مقدماتی، انعقاد و اجرای قرارداد نباید ناهماهنگ با تصوری که خود برای طرف دیگر ایجاد کرده است، عمل کند. اگر طرف مقابل با اعتماد متعارف به وضع ایجاد شده اقداماتی انجام دهد یا هزینه‌هایی را متحمل گردد، شخصی که وضع مذکور را ایجاد نموده، مسئول جبران خسارت وارد شده است». از این ماده و مواد دیگر لایحه مذکور مفهوم همکاری طرفین جهت اجرای مفاد قرارداد و ممانعت از انحلال آن استنباط می‌گردد. طبق ماده مذکور، شروع مذاکره و ادامه آن باید با هدف حصول توافق صورت گیرد و طرفین در طول مذاکره باید اطلاعاتی را که عرفاً جهت اتخاذ تصمیم در خصوص انعقاد قرارداد لازم است در اختیار طرف مقابل قرار دهد، در غیر این صورت و درصورتی‌که یکی از طرفین نامتعارف عمل نموده و یک‌جانبه مذاکره را قطع

۱ PECL 16:101, Comment B: 'Some Conditions, However, Will Be So Heavily Dependent Upon The Will Of One Party As To Signify A Total Lack Of Contractual Commitment By That Party And Hence The Absence Of A Binding Contract'.

نماید، باید پاسخگوی خسارات و هزینه‌های ایجاد شده برای طرف مقابل باشد.

رعایت حقوق یکدیگر

تکلیف رعایت حقوق طرف مقابل در قرارداد، از حقوق داخلی کشورها الهام گرفته است. برای مثال قانون‌گذار آلمان، در مورد مداخله در تحقق شرط تعلیقی فقط از تحقق فرضی شرط تعلیقی حمایت نمی‌کند؛ بلکه در دوره تعلیق، مسئولیت مدنی نیز مقرر نموده است. [۱] همچنین اشاره می‌کند که انتقال مورد معامله در دوره تعلیق از سوی فروشنده به شخص ثالث معتبر نیست[۲]. این مقرره به نظر می‌رسد در مقابل شخص ثالث نیز اعمال می گردد بااین‌وصف که ثالث حقی را تحصیل نموده که در دوره تعلیق بوده است. با توجه به مقررات PECL و آنچه در قانون مدنی آلمان به‌اختصار ذکر شد، تنها راه جبران خسارت موجود برای شخص ثالث، مطالبه خسارت مالی از شخصی است که وی را متضرر نموده است. درنتیجه می‌توان برای مشروط له حق انتخاب در نظر گرفت اینکه شرط تعلیقی را محقق شده فرض کرده و اجرای عین قرارداد را بخواهد یا اینکه آن را تحت شرایطی از جمله نقض اساسی قرارداد، فسخ نماید و مطالبه خسارت نماید که در بعضی موارد دو مورد اخیر

---

[۱] Burgerliches Gesetzuch Abriviatetd (BGB), 1900, Art 162: (1) If The Satisfaction Of A Condition Is Prevented In Bad Faith By The Party To Whose Detriment It Would Inure, Then The Condition Is Deemed To Have Been Satisfied.

(2) If The Satisfaction Of A Condition Is Brought About In Bad Faith By The Party To Whose Advantage It Would Be, The Condition Is Deemed Not To Have Been Satisfied.

قانون مدنی آلمان (BGB)،مصوب ۱۹۰۰، ماده ۱۶۲: (۱) اگر از تحقق شرطی با سوء نیت توسط طرفی که به ضرر اوست جلوگیری شود، شرط محقق شده تلقی می‌شود.

(۲) اگر از تحقق شرطی با سوء نیت توسط طرفی که به نفع اوست، محقق شود، شرط محقق نشده تلقی می‌شود.

[۲] ***BGB, Art 161 :*** If A Person Has Disposed Over A Thing, And The Disposition Is Subject To A Condition Precedent, Then Any Further Disposition Which The Person Makes As Regards The Thing During The Period Pending Fulfilment Of The Condition Is Ineffective On The Satisfaction Of The Condition To The Extent That It Would Frustrate Or Impair The Effect Subject To The Condition.

ماده ۱۶۱ قانون مدنی آلمان: اگر شخصی چیزی را تصرف کرده باشد و این تصرف منوط به شرط مقدم باشد، هرگونه تصرف دیگری که آن شخص در مدت زمان منتهی به تحقق شرط در مورد آن چیز انجام دهد، در صورت عدم تحقق شرط، تا حدی که اثر شرط را خنثی یا مختل کند، بی‌اثر خواهد بود.

یعنی فسخ و مطالبه خسارت برای مشروط له مطلوبیت بیشتری خواهد داشت (Hogg, 2011, p.98) دوران تعلیق متضمن قواعدی در PECL و حقوق داخلی کشورهای اروپایی است که از حقوق طرفین قرارداد در آنها حمایت می‌شود (Toulet, 2005, p.294). علی‌رغم توجه به این موضوع در مقررات مذکور ضمانت اجرای کافی برای مصادیق عدم رعایت حقوق ذی‌نفع در دوره تعلیق قرارداد صراحتاً ذکر نشده است. این موضوع در قوانین ایران نیز به چشم نمی‌خورد، اما حقوق‌دانان ایرانی به‌صراحت آن را در نوشته‌های خود بیان کرده‌اند که در دوره تعلیق قرارداد، حقوق و تکالیفی وجود دارد و برای ذی‌نفع حقی آلی یا ابتدایی ایجاد می‌گردد که ضروری است توسط طرف مقابل رعایت گردد (شهیدی, ۱۳۷۷, ص. ۱۰۶). شبیه این نهاد حقوقی را می‌توان در قرارداد خیاری یافت که در دوره وجود حق خیار، طرف مقابل نمی‌تواند تصرفاتی در مورد معامله نماید که منافی حقوق مشروط له باشد (محقق داماد، ۱۳۹۵: ۱۸۱/۱). درنتیجه می‌توان مقررات خیار شرط را برای تعلیق قرارداد نیز در نظر گرفت که از دیدگان مقنن ایرانی دور مانده است.

در مقابل، ماده ۱۸۷۴ قانون مدنی انگلیس[1] بیان داشته است که اگر یکی از طرفین در راستای حسن‌نیت و در حیطه توافق در دوره تعلیق عمل نماید اعمال وی معتبر خواهد بود، اما اگر خلاف حسن‌نیت مبادرت به اقدامی نماید که به قرارداد خدشه وارد آورد طرف دیگر می‌تواند از وی مطالبه خسارت نماید (Beatson, 2020, p.181). مواد ۱۸۱۷ و ۱۸۱۸ قانون مدنی انگلیس در خصوص انحلال قرارداد بیان نموده که در صورت باقی‌ماندن منافع قرارداد در تصرف دیگری که می‌بایست در نتیجه اجرای کامل آن عاید وی می‌گردید مصداقی از داراشدن ناعادلانه بوده و مقررات آن فصل بر آن حاکم خواهد بود.

---

[1] Art 1876: Acts Of Management.

Acts Of Management Done Prior To The Fulfilment Of The Condition By The Party Who Exercise The Right Shall Remain Valid Where The Condition Is Fulfilled. Damages May Be Claimed Where Such Acts Were Done In Bad
Faith.

ماده ۱۸۷۶: اعمال مربوط به اداره مال.

اعمال مدیریتی که قبل از تحقق شرط توسط طرفی که حق را اعمال می‌کند انجام شده باشد، در صورت تحقق شرط معتبر باقی می‌ماند. در صورتی که چنین اعمالی با سوء نیت انجام شده باشد، می‌توان خسارت مطالبه کرد.

اگر شخصی با رفتار و اقوال خود تعهدی به دیگری دهد یا ملتزم گردد و این موضوع در قرارداد تصریح نشود می‌توان به‌عنوان شرط بنایی یا ابتدایی آن را به کار برد (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۸: ۹۶/۲). در واقع می‌توان مقررات PECL را در مورد ضمانت اجرای مداخله در تحقق شرط تعلیقی و یا مداخله در عدم تحقق آن برای شرط فاسخ، نوعی شرط ابتدایی دانست. چرا که طبق ظاهر ماده سند مذکور و مبانی حقوق ایران، شرطی که در قرارداد تصریح به آن نشده باشد؛ اما اگر قرارداد متبایناً بر آن واقع شود و از جمله تکالیف موردانتظار طرفین باشد، دارای ضمانت اجرا خواهد بود. در حقوق ایران پیرامون تعلیق قرارداد و حقوق و انتظارات طرفین تبعاً صراحتی وارد نشده است؛ اما حسب قواعد عمومی مانند لاضرر و عدم سوء استفاده از حق می‌توان به موجب شرط ضمنی قراردادی محمل قانونی برای آن یافت (کریمی و شعبانی کندسری، ۱۳۹۳: ۱۴۵).

نمونه‌ای از ضمانت اجرای ماده ۱۰۱:۱۶ PECL در حکمی از قاضی والیز سال ۲۰۰۹ در دعوی سید حسین علیه شرکت هلدینگ وریمارک آورده شده است که اشعار داشته: «چون مشروط علیه به اختیار خود و آگاهانه در تحقق قید تعلیقی خلل ایجاد کرده است»؛ بنابراین از نظر دادگاه آن قید تحقق‌یافته فرض شده و طرفین باید به مفاد آن عمل نمایند و اگر خسارتی از قبل عملکرد مشروط علیه به طرف دیگر وارد گردیده ذی‌نفع می‌تواند حقوق ازدست‌رفته قابل‌انتظار خود را مطالبه نماید (Burrows, 2015).

در رأی دیگری توسط قاضی کلات در دعوی شرکت لیکاپ پراب علیه شخصی به نام رایت در سال ۲۰۱۲ ذکر شده است که اگر در نتیجه تعلل یا قصور طرف دیگر قرارداد شرط تعلیقی در قرارداد معلق محقق نشود قرارداد مذکور تحقق یافته و منشأ آثار خود خواهد بود مگر اینکه ماهیت قرارداد یا اوضاع‌واحوال موجب شوند شرط تعلیقی محقق نشود[۱].

قاعده (منع) مداخله

ایجاد مانع در تحقق شرط تعلیقی و یا عدم تحقق شرط فاسخ، خلاف حسن‌نیت و

[۱] Https://Www.Linkedin.Com/Pulse/Deliberate-Non-Fulfilment-Suspensive-Condition-Party-Brief-Simelane-1bvif

معامله منصفانه در قرارداد است. این قاعده در عقود معلق که تحقق و یا ایجاد اثر آن منوط به چنین شرطی است، نقش مهمی در قراردادهای معلق دارد. این موضوع مشمول قوانین تکمیلی نبوده؛ بلکه از مقررات امری قراردادی بوده و طرفین نمی‌توانند از آن چشم‌پوشی کنند .(Vognauer & Rowan, 2016, p.113) در PECL تلاش شده است که یک حد وسط بین رویکرد سنتی حقوق خصوصی و رویکرد مدرن در این زمینه ایجاد شود. مداخله خلاف حسن‌نیت در راستای نقض قرارداد مفهومی است که گویا شرط ضمنی قرارداد نقض گردیده است (Lando & Beale, 2007, p.113) بدین ترتیب که مشروط له اختیار دارد شرط تعلیقی را مفروض انگاشته و طرف دیگر را الزام به اجرای مفاد قرارداد نماید و یا تحقق آن را منتفی دانسته و در نتیجه قرارداد فاقد اعتبار خواهد بود. قواعد احتیاطی کامن لا بیان می‌دارند که مداخله در اصل، نقض شرط ضمنی است و برای شخص خاطی مسئولیت مطلق به دلیل این نقض قراردادی پیش‌بینی شده است (Zimmermann & Whittker, 2000, p.12/180)

در حقوق کشور آلمان دوره تعلیق موجد حقوق قابل حمایت بوده و دارای ضمانت اجراست. ماده ۱۶۰ قانون مدنی این کشور مقرر داشته است: «شخصی که حقی مطابق تعلیق قرارداد دارد می‌تواند اگر طرف قرارداد در دوره تعلیق موجب جلوگیری یا تأخیر در اجرای حق وابسته به‌شرط معلق باشد، مطالبه خسارت نماید»؛ بنابراین ملاحظه می‌گردد حقوق آلمان علاوه بر اینکه همانند PECL برای مداخله در تحقق شرط تعلیقی مقرر نموده شرط نسبت به طرفی که با مداخله وی مانع تحقق شرط تعلیقی می‌گردد تحقق‌یافته فرض می‌شود، در حقوق آلمان در مورد تأخیر و یا ممانعت از آن نیز ضمانت اجرای مطالبه خسارت در نظر گرفته است که ریشه در قرارداد دارد (گایار، ۱۳۶۵: ۱۳۲) موضوع ایجاد تأخیر در اجرایی‌شدن قرارداد معلق در حقوق ایران و سند PECL ذکر نشده است؛ البته در حقوق ایران در صورت ایجاد خسارت، مطالبه خسارت توسط ذی‌نفع با استناد به قاعده لاضرر و قواعد عام مسئولیت مدنی مواجه با منعی نخواهد بود که خود منوط به عدم درج وجه التزام یا توافقی دراین‌خصوص است.

در PECL مبنای قاعده منع مداخله در تحقق شرط تعلیقی، حسن‌نیت و معامله

منصفانه است. هرچند از نظر تاریخی نیز موضوع حسن‌نیت در متون حقوقی قدیمی از جمله حقوق رومی وجود داشته است و معیار حسن‌نیت می‌تواند معیاری باشد که بتوان تشخیص داد، عملکرد طرف دیگر قرارداد تا چه حد ماهیت مداخله ناروا را خواهد داشت[۱]. تاحدی‌که تعارض در قرارداد نسبت به‌شرط تعلیقی وجود داشته باشد، موضوع مداخله نامتعارف و ناسازگار مطرح خواهد گردید؛ لذا قاعده این است که از رفتار ناسازگار اجتناب شود. چطور می‌شود که شرطی قید اراده طرفین در قرارداد باشد و بعد به نحوی رفتار متعارض با آن بروز یابد که گویا از ابتدا قصد بر عدم تحقق شرط و در نتیجه عدم تشکیل قرارداد بوده است .(Vognauer & Rowan, 2016, p.201-204) این دو عملکرد یعنی حسن‌نیت و عدم رفتار ناسازگار با شرط تعلیقی، مکمل یکدیگرند که به طرفین توجه می دهند که آنها مکلفند حتی در مراحل پیش از قرارداد نیز مداخله منافی با شروط و هدف قرارداد نکنند.

بر اساس ماده PECL ۱۶:۱۰۲ [۲]درصورتی‌که یکی از طرفین قرارداد خلاف حسن‌نیت

---

[۱] One notable exception is R Knütel, 'Zur sogenannten Erfüllungs- und Nichterfüllungsfiktion bei der Bedingung', (1976) 98 Juristische Blätter 613–26, 616 f, who argues on the basis of the absence of the good faith criterion for the question in Roman law. However, the historical argument does not hinder the application of the good faith criterion today and the criterion is useful in order to determine the limits of the fiction

[۲] Article 16:102: Interference With Conditions

(1) If Fulfilment Of A Condition Is Prevented By A Party, Contrary To Duties Of Good Faith And Fair Dealing Or Co-Operation, And
If Fulfilment Would Have Operated To That Party's Disadvantage, The Condition Is Deemed To Be Fulfilled.
(2) If Fulfilment Of A Condition Is Brought About By A Party, Contrary To Duties Of Good Faith And Fair Dealing Or Co-Operation,
And If Fulfilment Operates To That Party's Advantage, The Condition Is Deemed Not To Be Fulfilled.

ماده ۱۶:۱۰۲: تداخل با شرایط

(۱) اگر اجرای شرطی توسط یکی از طرفین، برخلاف وظایف حسن نیت و رفتار منصفانه یا همکاری، مانع شود و اگر اجرای آن به ضرر آن طرف تمام می‌شد، شرط انجام شده تلقی می‌شود.

(۲) اگر اجرای شرط توسط یکی از طرفین، برخلاف وظایف حسن نیت و رفتار منصفانه یا همکاری انجام شود، و اگر اجرای آن به نفع آن طرف تمام شود، شرط انجام نشده تلقی می‌شود.

همکاری لازم را لحاظ نکرده و اقدامی نماید که موجب تغییر روند عادی تحقق یا عدم تحقق شرط تعلیقی گردد این اقدام معتبر نخواهد بود. برای مثال اعطای مجوز فروش مجموعه نرم‌افزاری از «الف» به فرد «ب» منوط به تأیید فرد ثالث به‌عنوان متخصص نرم‌افزاری است. فرد «ب» با پرداخت رشوه به متخصص مانع از تأیید نرم‌افزارها گردیده و قرارداد محقق نمی گردد. در این حالت بر اساس مقرره مذکور مجموعه نرم‌افزاری تأیید شده فرض می‌شوند (Zimmermann & Whittker, 2000, p.12/138). ماده ۳-۵ PICC[1] نیز به همکاری متقابل طرفین قرارداد و عدم مداخله در تحقق شرط تعلیقی و هر نوع شروط قراردادی دیگر اعم از مادی یا حقوقی اشاره کرده است. مشابه چنین حکمی در ماده ۱۱۷۸ قانون مدنی فرانسه نیز پیش‌بینی شده است که به‌موجب آن: «چنانچه متعهد که مشروط علیه است، مانع از تحقق و انجام شرط شده باشد، شرط واقع شده محسوب می‌شود»؛ بنابراین تقصیر مشروطٌ‌علیه سبب عدم تحقق شرط تعلیقی بوده و مشمول تحقق فرضی شرط تعلیقی است و این قاعده قابل‌تعمیم به انواع تعلیق در قرارداد است .(Mazeaud, 1978, p.1053) البته به نظر برخی نویسندگان پذیرش چنین حکمی در حقوق ایران دشوار است مگر اینکه دادگاه در قالب ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی و قاعده لاضرر با احراز زیان وارده و باتوجه به اختیاری که طبق این مقرره برای دادگاه در نظر گرفته است حکم به اجرای عین تعهد صادر کند. در حال حاضر با عدم تحقق شرط تعلیقی نمی‌توان راهکار قوانین کشورهای اروپایی و سند PECL را در حقوق ایران یافت که نقصی در قانون‌گذاری محسوب می‌گردد.

مبنای تحقق فرضی شرط تعلیقی

برخی حقوق‌دانان فرانسوی معتقدند تحقق فرضی شرط تعلیقی ریشه در حقوق رم

---

[1] PICC, ARTICLE 5-3:

Co-Operation Between The Parties:
Each Party Shall Cooperate With The Other Party When Such Co-Operation May Reasonably Be Expected For The Performance Of That Party's Obligations.

PICC، ماده ۵-۳:
همکاری بین طرفین:
هر طرف زمانی که چنین همکاری به طور معقول برای انجام تعهدات آن طرف قابل انتظار باشد.باید با طرف دیگر همکاری کند،

دارد؛ چرا که در حقوق رم اعتقاد بر این بود همواره باید از عملی حمایت کرد که ضد جلوگیری از تحقق آن عمل است؛ لذا اغلب مبنای ماده ۱۱۷۸ قانون مدنی قدیم فرانسه و بند ۳ ماده ۱۳۰۴ قانون مدنی جدید فرانسه را جبران خسارت وارده به ذی‌نفع می‌دانند (یزدانیان، ۱۳۸۸: ۲۱۵) چرا که درج شرط تعلیقی برای مشروط له یک امتیاز محسوب شده و طرف دیگر با عمل خود وی را از آن محروم کرده است (Lacantierie, 1902, p.31)

آنچه تلف گردیده فرصت تحقق یا عدم تحقق شرط تعلیقی است که خود بر مبنای جریان عادی امور است. در وهله اول به نظر می‌رسد این فرصت ماهیتی احتمالی دارد؛ اما تلف آن امری حتمی است. در عالم حقوق علاوه بر اموال، فرصت‌های یک شخص نیز موردحمایت است، لذا تلف آن موجب مسئولیت است (Larombieri, 1885, p.439), در حقیقت طرفین در قرارداد به نحو ضمنی توافق دارند که هیچ یک از آنها نباید مرتکب عملی گردد که جریان عادی قرارداد را مختل کرده و مداخله‌ای ناروا در شرط تعلیقی نمایند. در ماده ۲۲۰ قانون مدنی ایران نیز به نقش عرف در قرارداد تصریح شده و موافق با این استدلال است که طرفین نه‌تنها باید به مفاد صریح قرارداد پایبند باشند؛ بلکه به کلیه لوازم عرفی و قانونی آن نیز باید ملتزم باشند (شهیدی، ۱۳۹۷: ۱۰٦/٤). بسیاری از فقهایی که قرارداد معلق را صحیح می‌دانند آن را مشابه واجب معلق می‌پندارند (امامی خوانساری، بی‌تا؛ بجنوردی، ۱٤۱۹: ۳۸۸)؛ زیرا در این نوع تعلیق، وجوب به‌صورت فعلی انشا شده اما تحقق واجب استقبالی بعد از تحقق شرط تعلیقی است (خویی، ۱٤۱٦: ۲۵۱/۲ ؛ صدر، ۱٤۱۷: ۱۹۷)؛ بنابراین قبل از حصول زمان شرط تعلیقی، مکلف نسبت به تهیه مقدمات واجب وظیفه شرعی داشته و نیز نباید در این زمان، عملی انجام دهد که تحقق واجب در آینده مختل شود (محقق داماد، ۱۳۹۱: ۱۸۱/۱).

اگر مشروط علیه در تحقق یا عدم تحقق شرط تعلیقی مداخله نماید، ضمانت اجرای قراردادی در مجموعه PECL صرفاً تحقق فرضی شرط تعلیقی است درحالی‌که بهتر است این اختیار به مشروط له داده شود و اختیار اعمال یا عدم آن را به وی واگذار نمود. هرچند طرفین قرارداد می‌توانند در این مورد تراضی نمایند، اما در صورت عدم تراضی باید طبق

مقرره ۱۰۱:۱۶ PECL[۱] عمل شده و شرط تعلیقی را تحقق‌یافته فرض کرد. در حقوق فرانسه نیز به مانند PECL در صورت مداخله در اثرگذاری شرط فاسخ که توام با سوء نیت باشد مقنن تحقق فرضی شرط تعلیقی را درنظر گرفته که موجب انحلال قرارداد از ابتدای آن خواهد شد (شراعی، و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۴۳-۱٤٦). این اجبار نسبت به مشروط له که ممکن است نظر به ادامه قرارداد نداشته باشد، موجب ضرر شود. چرا که در مواردی طرف مقابل قرارداد به دلایلی قادر به انجام تعهدات قراردادی نبوده و به همین دلیل در مسیر حصول شرط تعلیقی مانع ایجاد می‌کند، درنتیجه بهتر بود ضمانت اجرای آن صرفاً فرض مذکور نباشد.

هدف از مسئولیت مدنی قراردادی حمایت قانونی از انتظار معقول طرفین بوده که بر مبنای آن قرارداد تشکیل گردیده است؛ لذا مشروط له می‌تواند تقاضای وضعیتی را نماید که شرط تعلیقی تحقق‌یافته فرض شود یا به تعهد عمل شده است (یزدانیان، ۱۳۸٦: ۱۷۳/۱) مداخله مشروط علیه در تحقق یا عدم تحقق شرط تعلیقی باید محرز و قابل‌انتساب به او باشد اعم از اینکه خود مباشرتاً اقدام کرده باشد یا به سبب عمل وی شخص ثالثی دخالت کرده باشد (Larombieri, 1885, p.439) اگر شرط تعلیقی ماهیتی بسیط و ساده داشته باشد به‌محض ایجاد مانع، مشمول ضمانت اجرا خواهد شد و اگر این شرط به طور مستمر باشد که در فواصل زمانی اتفاق بیفتد برای هرکدام از آن زمان‌ها ضمانت اجرای مذکور حاکم خواهد بود (ژوردن، ۱۳۸۵: ۷۷) به نظر می‌رسد ذی‌نفع هم می‌تواند شرط تعلیقی را تحقق‌یافته فرض کند و هم بابت زمان ازدست‌رفته مطالبه خسارت نماید.

---

[۱] Article 16:101: Types Of Condition

A Contractual Obligation May Be Made Conditional Upon The Occurrence Of An Uncertain Future Event, So That The Obligation
Takes Effect Only If The Event Occurs (Suspensive Condition) Or Comes To An End If The Event Occurs (Resolutive Condition).

ماده ۱۰۱:۱۶: انواع شرط

یک تعهد قراردادی می‌تواند مشروط به وقوع یک رویداد نامشخص در آینده باشد، به طوری که تعهد فقط در صورت وقوع آن رویداد (شرط تعلیقی) یا در صورت وقوع آن رویداد پایان یابد (شرط قطعی).

موارد خارج از شمول تحقق فرضی شرط تعلیقی

این موارد گاه ناظر به ماهیت شرط تعلیقی و گاه ناظر به وضعیت مشروط علیه است.

در مورد ماهیت شرط تعلیقی

اگر ماهیت شرط تعلیقی به‌گونه‌ای باشد که اراده مشروط علیه در آن نقش نداشته باشد در این صورت توسل به تحقق فرضی منتفی است چرا که تقصیری وجود نداشته و قابلیت انتساب مداخله ناروا به مشروط علیه ممکن نیست(Jansen & Zimmermann, 2018, p. 3562). ممکن است به دلیل برخی شرایط غیر قابل پیش بینی و یا خارج از اراده مثلاً بروز جنگ یا وضع قوانین جدید عملاً تحقق معلق‌علیه ممکن نباشد. به عبارت دیگر، وجود تقصیر و یا مداخله همراه با سوءنیت از سوی خاطی در این فرض منتفی است و حسب قواعد عام که در اصول اولیه حقوق قراردادهای اروپا موجود است، تحقق فرضی معلق‌علیه منتفی است.

در مورد وضعیت مشروط‌علیه

اگر مشروط علیه بعد از انعقاد قرارداد معلق دچار حجر گردد و با عمل وی شرط تعلیقی محقق نشود باز هم ضمانت اجرای مزبور مجری است؟ می‌توان گفت اگر ضابطه مورد اتخاذ، تجاوز از فعل و رفتار متعارف باشد این ضمانت اجرا معتبر است، اما اگر تقصیر ناظر به وضعیت فاعل باشد این ضمانت اجرا کم‌رنگ‌تر خواهد بود (یزدانیان، ۱۳۸٦: ۱/ ۱٤۰). البته حسب قواعد عام مسئولیت مدنی فارغ از عنصر معنوی تقصیر، فعل زیان‌بار ملاک عمل بوده. چنین بطلانی از نظر حقوق‌دانان فرانسوی نیز در مواردی ممکن است به اصل قرارداد نیز تسری یافته و مبطل آن باشد (Stark, 1972, p.373) در سند PECL که به تبعیت از ذهنیت حقوق‌دانان فرانسه نگاشته شده مقرره خاصی برای تبیین این موضوع اختصاص داده نشده است، اما حسب قواعد عام، از جمله این‌که در موارد سکوت مقررات PECL مرجع قضاوت‌کننده موظف است به اصول کلی آن مراجعه کرده یا با تفسیر مفاد قرارداد مبتنی بر توافق طرفین یا قانون متناسب و حاکم بر قرارداد اراده ضمنی طرفین را احراز نماید. با توجه به گزاره فوق می‌توان گفت در صورت عدم حصول شرط تعلیقی باید قرارداد

را از ابتدا کان لم‌یکن تلقی نمود و اگر طرفین عوضین را ردوبدل کرده‌اند مسترد دارند یا اگر تعهدی به نفع دیگری انجام شده مصداق داراشدن بلاجهت بوده و باید جبران گردد.

انصراف از حق

این موضوع در قالب یک نظریه بوده که برگرفته از حقوق کامن لا است و طرفداران زیادی در عرصه حقوق تجارت بین‌الملل دارد. طبق آن، عملی از سوی دارنده حق بروز می کند که شخص از حقی که به‌موجب قانون یا قرارداد برای وی محقق شده است چشم‌پوشی می‌کند (Kustroba, 2013, p.123). در حقوق انگلیس انصراف از حقی که معوض نباشد لازم‌الاجرا نیست (پارساپور, ۱۳۸۳: ٦٨). در بعضی فرهنگ‌های حقوقی برخی از تعابیری که برای این نظریه ذکر کرده‌اند «تغییر در قرارداد» است (Hogg, 2011, p.98). اصل اولیه ای که دادگاه‌های خارجی از جمله انگلستان بدان پایبند هستند این بوده که اگر طرفین شروط خاص با ضمانت اجرای منحصر در قرارداد درج نمایند و بعد از تحقق آن شروط که مشروط له بتواند آن را اعمال کند، به نحوی اقدام دیگری در راستای قرارداد انجام دهد و طرف دیگر تصور نماید که حقوق ایجاد شده توسط مشروط له اجرایی نخواهد شد، بر مبنای انصاف مشروط له دیگر نمی‌تواند در زمانی بعد، از آن حق استفاده نماید (Barnett & Becker, 1987, p.443) این مفهوم ابتدا توسط قاضی لرد کایرن در دعوی هیوز علیه شرکت راه‌آهن متروپولیتن ارائه گردید[1]. حال باتوجه‌به ضمانت اجرایی که سند PECL برای مداخله در تحقق یا عدم تحقق شرط تعلیقی در نظر گرفته است، قدری سخت‌گیرانه است که تصور شود مشروط له در صورت مداخله من‌غیرحق نسبت به تحقق شرط تعلیقی صرفاً باید قرارداد را صحیح فرض کرده و آن را ادامه دهد (Glusman, 2007, p.325). با مداخله مشروط علیه در جهت عدم تحقق شرط تعلیقی ممکن است اعتماد مشروط له نسبت به پایبندی مشروط علیه به مفاد قرارداد از بین برود و اموال خود را در خطر ببیند در نتیجه به

۱ Hughes V Metropolitan Railway Co. [1877] United Kingdom House Of Lords 1 (5 June 1877). Is A Case Considered Unremarkable For Many Years Until It Was Resurrected By Lord Denning In The Case Of Central London Property Trust Ltd V High Trees House Ltd In His Development Of The Doctrine Of Promissory Estoppel. The Case Was The First Known Instance Of The Concept Of Promissory Estoppel

نظر می‌رسد حسب عرف حقوقی منعکس در کامن لا و دادگاه‌های انگلیس این حق را برای مشروط له در نظر گرفت که بین ابقای قرارداد یا اقدام به انحلال آن مخیر باشد. حال مثلاً در شرط فاسخ اگر مشروط علیه مداخله در عدم تحقق شرط تعلیقی نماید به‌نحوی‌که بخواهد قرارداد ابقا گردد، مشروط له مبادرت به عملی نماید که گویا از حق قانونی خود در جهت انفساخ قرارداد چشم‌پوشی نموده است و طرف دیگر تصور نماید که هرگز از این حق استفاده نمی‌شود (Zimmermann & Whittker, 2000, p.12/156). مشروط له مجدد نخواهد توانست به انحلال قرارداد اقدام کند. هرچند طرفین می‌توانند خلاف آن را شرط نمایند به‌نحوی‌که یکی از طرفین حقوق ایجاد شده خود را مطالبه نکند این امر به منزله انصراف از حق وی نخواهد بود (Stone & Cunnington, 2007). این روند می‌تواند اثر نظریه انصراف از حق را زایل کرده یا آن را محدود نماید (Fouracre, 2009, p.165-170).

از طرف دیگر در دعوی کشتی تجاری اسکاندیناوی علیه فلوتاپ ترولرا، قرارداد اجاره کشتی متضمن شرط فاسخی بود که اگر پرداخت‌های در موعد مقرر صورت نگیرد قرارداد منفسخ و قابلیت سرویس‌دهی کشتی‌ها از بین خواهد رفت. مستأجر به مدت دو سال خلاف ضابطه قرارداد اجاره‌بها را پرداخت کرد (پرداخت با تأخیر) و بعد از یک تأخیر طولانی‌مدت در آخرین اجاره پرداختنی، مالکین اعلام کردند قرارداد انحلال یافته است. مستأجر دفاع نمود که طی دو سال پرداخت‌های نامنظم انجام شده و مالک اعتراضی نکرد. مع‌الوصف دادگاه به ریاست قاضی لوید رأی صادر نمود که عدم اعتراض در دو سال مانع اعمال حق شرط برای مالک نیست و دعوی مستأجر وارد نگردید[1] (Treitel, 2003, p.102-103). استدلال دادگاه در این وضعیت منصفانه به نظر نمی‌رسد؛ ذی‌حق از حق خود ناظر به انفساخ قرارداد به نحو عملی چشم‌پوشی کرده است و توجیهی ندارد که بعد از گذشت مدت‌زمان طولانی دعوی انفساخ قرارداد قبول گردد. این امر با استدلال اخیر در تعارض است گذشت زمان دو سال از تحقق شرط تعلیقی که قرارداد را به انحلال می‌کشاند، باید توسط مشروط له اعلام گردد در غیر این صورت تصوری متعارف برای مشروط علیه ایجاد

۱ The Scaptrade Scandinavian Trading Co. V. Flota Petrolera Ecuatoriana(1983) HOUSE OF LORDS

می‌شود که طرف مقابل به‌صورت ضمنی از اعمال حق خود مبنی بر انحلال قرارداد صرف‌نظر نموده است (هراتی، ۱٤۰۲: ٥۷۰)؛ بنابراین اگر در قرارداد معلق، رفتار ذی‌حق نوعاً دلالت بر اسقاط عملی حق خود نماید، متعاقباً وی نمی‌تواند به ضمانت اجرای تحقق یا عدم تحقق فرضی شرط تعلیقی استناد نماید (Jaffey, 1991, p.122) که این امر موافق با نظریه اعتماد متعارف در قرارداد و قاعده لاضرر در فقه شیعه است که از رفتار یک طرف قرارداد اعتمادی معقول دریافت شده و بر مبنای آن قرارداد به پیش خواهد رفت.

قاعده استاپل

قاعده استاپل از نظر لغوی به معنای «مانع» است و ریشه در زبان فرانسه دارد. در فرهنگ انگلیسی اغلب معادل خاصی برای این واژه ذکر نشده است. در لسان حقوقی نیز به معنای منع تناقض در رفتار یا صحبت است. ممنوعیت اقامه دعوی یا ممنوعیت انکار بعد از اقرار نیز در برخی کتابها ذکر شده است (آریان پور کاشانی، ۱۳٦٥: ۲/ ۱٦۳۰) بدین‌سان که شخصی به رفتار یا صحبت طرف قرارداد در امری اعتماد کرده و طرف دیگر خلاف آن انتظار عمل نماید و موجب زیان وی شود .(Garaner, 2009, p.195) این قاعده ریشه در حقوق انگلستان و امریکا دارد و توسط حقوق‌دانان غربی مورد اشاره قرار گرفته و کاربرد زیادی در دادرسی عادلانه دارد (صفایی, ۱۳۸٦, ص. ۳۸٦). هدف استاپل ایجاد تعادل در معاملات بین اشخاص است. قاعده استاپل در حقوق انگلستان مبتنی بر حسن‌نیت و معامله منصفانه است به‌نحوی‌که قانون‌گذار از هدف طرفین در جهت اجرای مفاد قراردادی حمایت کرده و از هر تناقضی که در راستای اجرای قرارداد ایجاد نماید منع کرده و ضمانت اجرا برای آن قرار داده است (Beale , 2004 :1/ 650) و عرف حاکم بر حقوق انگلستان و امریکا این قاعده را از مصادیق نظم عمومی می‌داند که خلاف آن قابل توافق نیست.

در مقررات ایران در خصوص رفتار متناقض با مفاد و مقصود قرارداد مقرره‌ای به طور صریح ذکر نشده است (فیض و خندانی، ۱۳۹۸: ۲۷٤)، اما از مواد ۲۲۰ و ۲۲٥ قانون مدنی می‌توان استنباط کرد که اگر امری عرفی از قرارداد و رفتار طرفین انتظار رود ولو در قرارداد به آن تصریح نشده باشد، به منزله ذکر در قرارداد است (بهرامی، ۱۳۸۲: ۱۲۸) و

طرفین باید ملزم به نتایج عرفی آن نیز باشند و به این معناست که طرفین از هر رفتار متناقض باهدف قرارداد باید اجتناب نمایند، در غیر این صورت اگر ضرری متوجه یکی از طرفین گردد، حسب قاعده لاضرر باب مطالبه خسارت برای شخص زیان‌دیده مفتوح خواهد بود (اسدی نژاد و سالاریان، ۱٤۰۳: ۱٦)؛ بنابراین نبود قاعده‌ای مانند استاپل و عدم درج مقرره‌ای مشابه آن در قانون مدنی ایران از نظر حقوقی به این منزله نیست که ارتکاب رفتار متناقض با مفاد قرارداد از مرحله مذاکره تا اجرای قرارداد هیچ ضمانت اجرای حقوقی نداشته باشد. متأسفانه در رویه قضایی اکثر دادگاه‌ها بر این عقیده هستند که مفاد رأی باید مستدل و مستند به مقررات قانونی باشد؛ لذا نمی‌توان حسب یک اصل اخلاقی ولو منطقی بدون اینکه استناد قانونی وجود داشته باشد در خصوص رفتار یک طرف قرارداد گفت که وی مرتکب رفتار متناقض گردیده و او را ملزم به جبران خسارت نمود.

ارتباط مداخله طرفین با قاعده استاپل

در مواردی که برای تأمین منافع ذی‌حق تلاش متعارف صورت نگیرد و نیز در حالتی که منجر به بروز ضرر برای ذی‌حق گردد این نظریه خواستار اجرای تعهدات و مقصود قرارداد است (Gold, 2009, p.122). اگر مشروط علیه در جهت تحقق شرط تعلیقی اقدام نکند و مانع آن گردد، اعتماد برای مشروط له نتیجه زیان‌بار به همراه دارد و از نظر اخلاقی مذموم و از نظر قانونی دارای ضمانت اجرا است (Jaffey, 1991). فرض بر این است در یک قرارداد معلق، طرفین نسبت به‌شرط تعلیقی رفتاری از خود نشان نمی‌دهند که موجب عدم تحقق شرط تعلیقی و یا تحقق شرط فاسخ گردد و این امر مبتنی بر انصاف معاملاتی و یک انتظار عرفی است و نسبت به آن برای طرفین قرارداد مسئولیت وجود دارد (Cartwright, 2006, p.3/40). این رویه سابقه‌ای طولانی در حقوق امریکا دارد و از نظر حقوق‌دانان آن کشور، تعهدی که متعهدله می‌تواند به نحو متعارف انتظار داشته باشد که به‌موجب فعل یا ترک فعل متعهد صورت گیرد دارای حمایت قانونی و اخلاقی است (Stone, 2009, p.153). در صورت عدم حصول منافع مورد انتظاری که از اجرای قرارداد ممکن بود نصیب مشروط له گردد می‌توان طرح دعوی مطالبه خسارت عدم نفع را از دادگاه مطالبه کرد که البته در

حقوق ایران خسارت ناشی از عدم نفع قابل مطالبه نیست؛ اما از جهت مسئولیت مدنی و احراز ارکان آن دور از تصور نیست (میرشکاری و مددی، ۱۴۰۲: ۱۱۰)

در حقوق کامن لا قاعده استاپل در قسمت عوضین قراردادی بحث شده است. در فقه اسلامی و مقررات ایران در مورد آن صراحت یا مفهومی وارد نشده است و به نظر باید آن را در حوزه مسئولیت مدنی بررسی نمود. ضمانت اجرای مداخله ناروا در قرارداد معلق در حقوق ایران پیش‌بینی نشده است و حتی در فقه شیعه موردبحث نبوده است که دلیل عمده آن موضوع شرط تنجیز در صحت قرارداد است (افضلی قادری، ۱۳۸٤: ۱۳۸). اینکه در سند PECL و مقررات دیگر در صورت مداخله ناروا شرط تعلیقی ایجاد شده فرض می شود یک ضمانت اجرای قراردادی است که مانند آن در حقوق ایران وجود ندارد و فقط می توان حسب قواعد عام مسئولیت مدنی با اثبات ارکان تقصیر از مسبب مطالبه خسارت نمود و نه اجرای اصل قرارداد و مفروض انگاشتن تحقق شرط تعلیقی.

تناقض هسته اصلی قاعده استاپل است و این قاعده برای جلوگیری از ضرر ناشی از تناقض در رفتار طرفین قرارداد نسبت به عملکرد متعارف آنان وضع گردیده است (گایار، ۱۳٦٥: ۸۲). استاپل در دوره تعلیق قرارداد دارای خاستگاه منحصر بوده و مانع انتفاع غیرقانونی یک طرف به ضرر طرف دیگر است. همین که قانون‌گذار در مقررات PECL ، کشورهای انگلیس و فرانسه بیان کرده است که طرف قرارداد نباید در راستای تحقق شرط تعلیقی اقدامی منافی آن انجام دهد مصداقی از قاعده استاپل است (Cartwright, 2006, p.3/128) بنابراین درج مقررات و ضمانت اجرا در جهت منع مداخله و همکاری متقابل در قرارداد معلق به‌خصوص در دوره تعلیق قرارداد با ابتناء به قاعده استاپل به‌راحتی قابل‌توجیه است.

در حالت تعلیق قرارداد اعتماد مشروط له به عملکرد طرف دیگر جهت تحقق شرط تعلیقی باید وجود داشته باشد به‌نوعی که واقعاً این اعتماد عرفاً ایجاد شود. هرچند گفته می‌شود که اگر چنین اعتماد عرفی در بین نبوده؛ اما نسبت به طرف دیگر ایجاد شده باشد کفایت می‌کند (Chitty & Beale, 2023, p.1/328-332). حال اگر ثابت شود چنین نبوده و مداخله متعهد در تحقق یا عدم تحقق شرط تعلیقی باعث ضرر متعهدله نگردد، ضمانت

اجرای سنگین قراردادی بر طرف دیگر به‌دوراز انصاف است (Beatson, 2020, p.145). چنین مسئولیتی برای مشروط علیه ناشی از اجرای عدالت است (Barnett & Becker, 1987, p.462-465) و اعتقاد بر این است که تنها با تحقق مفاد قرارداد می‌توان در راستای عدالت حرکت و حقوق مشروط له را حفظ کرد. به نظر می‌رسد این تعبیر صحیح نیست و تنها راه برقراری عدالت نخواهد بود همچنان که برخی نویسندگان بر این امر معتقدند (Blum A, 2007, p.215) و در مفاد سند PECL نیز چنین ضمانت اجرایی برای مداخله در تحقق قید تعلیقی بیان شده است که شرط تعلیقی تحقق‌یافته فرض شود. اگر برای تخطی از تعهد متعارف و موردانتظار در جهت تحقق شرط تعلیقی مجازات قراردادی در نظر گرفته شود می‌توان گفت در اختیار مشروط له است که شرط تعلیقی را تحقق‌یافته فرض کند و یا خسارت مالی از مقصر دریافت دارد. این خسارت معادل حالتی است که قرارداد با تحقق شرط تعلیقی محقق شده و آثار مالی متعارف به نفع مشروط له دارد. برخی معتقدند چنین خسارتی منشأ قراردادی داشته و خسارت موردانتظار بر مبنای عایدات در اثر اجرای قرارداد لحاظ می‌گردد و عده‌ای دیگر نیز خلاف این نظر را داشته و مسئولیت حاضر را غیرقراردادی می‌دانند (Barnett & Becker, 1987, p.464).

نتیجه‌گیری

در تعلیق قرارداد، تلاش در راستای تحقق شرط تعلیقی به نحو متعارف و رعایت حقوق طرف مقابل ضروری و جلوه‌ای از حسن‌نیت در قرارداد است. رعایت حقوق طرف مقابل، همکاری متقابل در جهت محقق گردیدن شرط تعلیقی و یا عدم مداخله در روند تحقق شرط فاسخ از جمله آن هستند. حسب عرف قراردادی و مواد ۲۲۰ و ۲۲۵ قانون مدنی ایران هر امری که عرفاً داخل در قرارداد بوده و به آن نیز منصرف باشد به منزله تصریح در قرارداد است. طرفین در دوره تعلیق قرارداد موظف به رعایت حقوق یکدیگر هستند. در PECL و حقوق داخلی کشورهای اروپایی از جمله فرانسه، انگلیس و آلمان این موضوع مورد اشاره قرار گرفته و برای عدم رعایت حسن‌نیت در جهت مداخله در تحقق یا عدم تحقق شرط تعلیقی ضمانت اجرا در نظر گرفته شده است. اگر متعهد در تحقق شرط تعلیقی مداخله ناروا نماید که به نفع او باشد، شرط تعلیقی نسبت به وی محقق شده فرض می گردد. درصورتی‌که این امر ناشی از فعل غیر یا به‌موجب عامل خارجی باشد مقرره‌ای وضع نشده است که به نظر می‌رسد قرارداد به دلیل عدم حصول شرط تعلیقی از ابتدا باطل است و ذی‌حق صرفاً حق مراجعه به مقصر بر اساس قواعد مسئولیت مدنی دارد. در حقوق ایران مقرره صریحی نسبت به این موضوع ذکر نشده است. درصورتی‌که توافقی در کار نباشد، حسب اصول حقوقی مانند لزوم وفای به عهد و قاعده لاضرر و شرط ضمنی عقد مبنی بر اراده نوعی و عرفی که منصرف به موضوع است، می‌توان ضمن اینکه شرط تعلیقی را تحقق‌یافته فرض کرد، خسارت زمان دیرکرد نسبت به آن را نیز حسب شروط قراردادی یا مسئولیت غیرقراردادی مطالبه نمود. هرچند این امر فاقد مستند قانونی صریح بوده، اما با عنایت به روح مقررات و قواعد عمومی و اراده ضمنی طرفین در قرارداد قابل‌دریافت است. بر مبنای قاعده استاپل که مبنای آن ممانعت از تناقض بین اجرای قرارداد و رفتار طرفین آن است، هیچ یک از طرفین قرارداد نباید دست به عملی بزند که متناقض باهدف و مفاد قرارداد باشد. در مقررات PECL چه در بخش تعلیق قرارداد و چه در سایر بخش‌ها که اصل حسن‌نیت به‌صورت یک رکن غیر قابل اسقاط وجود دارد، مداخله و ایجاد مانع در تحقق شرط تعلیقی و یا عدم تحقق آن در شرط فاسخ مغایر با قاعده استاپل است. در حقوق

ایران صرفاً در لایحه جدید قانون تجارت[1] موضوع رعایت حسن‌نیت و همکاری عرفی طرفین در راستای تحقق مفاد قرارداد مقرراتی وضع شده که تاکنون لازم‌الاجرا نگردیده است، اما حسب عرف حاکم بر قرارداد و قواعد مسلم فقهی مانند لاضرر و اصل لزوم وفای به عهد و رعایت حسن‌نیت و معامله منصفانه در قرارداد از مذاکره تا اجرای آن، طرفین باید حسن همکاری را رعایت نموده و در صورت مداخله در تحقق شرط تعلیقی جز در مواردی که توافقی نسبت به موضوع وجود داشته باشد، ضمن تحقق‌یافته فرض‌کردن شرط تعلیقی و اجرای قرارداد، باب مطالبه خسارت با توجه ضوابط مسئولیت مدنی مفتوح است.

[1] ماده۱۲ لایحه جدید قانون تجارت مصوب ۱۴۰۳/۰۱/۲۸ مجلس شورای اسلامی: طرفین مکلفند در مذاکرات مقدماتی، انعقاد و اجرای قرارداد، اصل حسن‌نیت و عمل منصفانه در تجارت را رعایت کنند. طرفین نمی‌توانند برخلاف مفاد این ماده توافق کنند.

فهرست منابع

منابع فارسی

۱. آریان‌پور کاشانی، عباس (۱۳۶۵). فرهنگ فشرده انگلیسی به فارسی. جلد ۲، چاپ ۲۰. تهران: امیرکبیر.

۲. اسدی نژاد، سیدمحمد و اسدی نژاد سیده مریم (۱۴۰۳)، مبادی نظریه عمومی تعلیق، چاپ اول، رشت: نشر آثار حقوقی حقیق

۳. اسدی نژاد، سیدمحمد و سالاریان، مسعود (۱۴۰۳)، عقد معلق و وصیت با تاکید بر اندیشه امام خمینی، مجله متین، ۲۶ (۱۰۴): ۱-۲۸. https://matin.ri-khomeini.ac.ir/article_209391.html

٤. افضلی قادری، فریبا (۱۳۸٤). بررسی احکام و آثار قرارداد معلق در فقه و حقوق موضوعه، مجله فقه حقوق خانواده، ٤ (۳۷): ۱۲۸-۱٦٤

۵. امامی خوانساری، محمد (۱۳۶۷ق). حاشیه الاولی علی المکاسب، چاپ۱. قم: بی‌نا

٦. بهرامی، حمید (۱۳۸۲). سو استفاده از حق (مطالعه تطبیقی در حقوق اسلام و دیگر نظام‌های حقوقی). تهران: دانشگاه تهران.

۷. پارساپور، محمدباقر (۱۳۸۳). ابراء در حقوق ایران و انگلیس. فصلنامه پژوهش‌های فقه و مبانی حقوق اسلامی. ۱(۳و٤): ۸۱-٦۰

۸. جعفرزاده، میر قاسم و سیمایی صراف، حسین (۱۳۸۲). حسن‌نیت در قراردادهای بین‌المللی. فصلنامه تحقیقات حقوق. ۸ (۴۱): ۶۳-۸۰.

۹. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۶). دوره حقوق مدنی (حقوق تعهدات). چاپ ۱۰. تهران: دانشگاه تهران.

۱۰. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۶). معتمد العروه الوثقی. جلد۲ . قم: منشورات مدرسه دارالعلم.

۱۱. ژوردن، پاتریس (۱۳۸۵). اصول مسئولیت مدنی. ترجمه مجید ادیب. تهران: انتشارات میزان.

۱۲. شراعی. الهام؛ یزدانیان. علیرضا؛ عباسیان، رضا (۱۳۹۷). پایان واقعی و حکمی قراردادهای معلق با نگاهی به حقوق فرانسه. مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز. ۱۰ (۱): ۱۶۰-۱۲۹. https://doi.org/10.22099/jls.2018.24657.2314

۱۳. شهیدی، مهدی (۱۳۷۷). تشکیل قراردادها و تعهدات. تهران: انتشارات حقوق‌دان.

۱٤. شهیدی، مهدی (۱۳۹۷). حقوق مدنی: شروط ضمن قرارداد. جلد ٤. چاپ ششم. تهران: مجد.

۱۵. صدر، سید محمدباقر (۱٤۱۷). بحوث فی علم الاصول. قم: موسسه دایره المعارف فقه اسلامی

۱٦. صفایی، سید حسین (۱۳۸۶). مقالاتی درباره حقوق مدنی و تطبیقی. چاپ دوم. تهران: میزان.

۱۷. صفایی، سید حسین؛ کاظمی، محمود؛ عادل، مرتضی؛ میرزا نژاد، اکبر (۱۳۹۲). حقوق بیع بین‌المللی (بررسی کنوانسیون بیع بین‌المللی ۱۹۸۰. با مطالعه تطبیقی در حقوق ایران. فرانسه.

انگلیس و ایالات متحده امریکا). چاپ هفتم. تهران: دانشگاه تهران.
۱۸. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۲). درآمدی بر حقوق اسلامی تطبیقی. چاپ اول. تهران: میزان.
۱۹. فیض، محمد؛ خندانی، پدرام (۱۳۹۸). ماهیت قاعده استاپل و کارکرد آن در حقوق ایران و انگلستان. فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی. ۱۰ (۴۰): ۲۶۱-۲۸۰.
۲۰. قشقایی، حسین (۱۳۷۶). شیوه تفسیر قراردادهای خصوصی در حقوق ایران و نظام‌های حقوقی معاصر. چاپ اول. تهران: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۱. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۶). قواعد عمومی قراردادها. جلد ۳. چاپ دوم. تهران: شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا.
۲۲. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۳). قواعد عمومی قراردادها: انحلال قرارداد. جلد ۵. چاپ هشتم. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۳. کریمی. عباس؛ شعبانی کندسری، هادی (۱۳۹۳). رابطه منطقی قاعده لاضرر و قاعده غربی سوءاستفاده از حق. پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب. ۱(۲) ۱۶۵-۱۳۵. https://doi.org/10.22091/csiw.2015.567
۲۴. کریمی، عباس؛ جواهر کلام، محمدهادی و زرنگ، امیرحسین (۱۴۰۳). عدول از شرط فاسخ: نقد و تحلیل رویه قضایی با نگاهی به حقوق فرانسه و انگلستان. فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی. ۷(۲۴): ۱۶۹-۱۱۴. https://doi.org/10.22034/law.2024.2045094.1479
۲۵. گایار. امانوئل (۱۳۶۵). استاپل یا منع تناقض‌گویی به زبان دیگری. ترجمه ناصر صبح خیز. تهران: دفتر خدمات بین‌المللی.
۲۶. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۹۵). نظریه عمومی شروط و التزامات در حقوق اسلامی. جلد ۱. چاپ چهارم. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۲۷. محقق داماد، سید مصطفی و سایرین (۱۳۹۱). حقوق قراردادها در فقه امامیه. جلد ۱. تهران: سمت.
۲۸. محمدی، قاسم؛ جواهرکلام، محمدهادی و جمالی، مرتضی. (۱۴۰۱). تأثیر «بطلان» و «انحلال» عقد بر شرط ضمن آن؛ تدارک قاعده برای «استقلال شرط از عقد» از منظر حقوق اسلامی و رویه قضایی. فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، ۵(۱۷)، ۱۱۶-۸۳. https://doi.org/10.22034/law.2021.533203.1088
۲۹. موسوی بجنوردی، محمد (۱۳۸۸). قواعد فقهی. جلد ۲. چاپ ۲. تهران: مجد.
۳۰. میرشکاری، عباس و مددی، سعید. (۱۴۰۲). بررسی دو پرونده درباره عدم النفع. فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، ۶(۱۸)، ۱۱۴-۸۷. https://doi.org/10.22034/law.2023.1989711.1223
۳۱. هراتی، مصطفی (۱۴۰۲). شرط فاسخ در اصلاحات اخیر قانون مدنی فرانسه و محدودیت‌های قانونی و قضایی اعمال آن از منظر حقوق ایران. فصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی. ۱ (۱۴): ۵۶۳-

۵۸۲. https://doi.org/10.22059/jcl.2023.342657.634352
۳۲. یزدانیان، علیرضا (۱۳۸۶). قواعد عمومی مسئولیت مدنی. جلد ۱. تهران: میزان.
۳۳. یزدانیان، علیرضا (۱۳۸۸). تحلیلی از تعلیق در انحلال قرارداد در فقه امامیه و حقوق فرانسه. نشریه مطالعات اسلامی: فقه و اصول. ۴۱ (۸۲): ۲۳۲-۲۰۵.

References

1. Afzali Ghaderi, F. (2005). Study of the rulings and effects of suspended contracts in jurisprudence and statutory law. *Journal of Family Law Jurisprudence, 4*(37), 128-164. (In Persian)
2. Amid Zanjani, A. (2007). *An introduction to comparative Islamic law* (1st ed.). Mizan. (In Persian)
3. Arianpour Kashani, A. (1986). *A concise dictionary of English to Persian* (Vol. 2, 20th ed.). Amirkabir. (In Persian)
4. Asadinejad, S. M., & Asadinejad, S. M. (2024). *Principles of the general theory of suspension* (1st ed.). Haqeeq Legal Works Publishing. (In Persian)
5. Asadinejad, S. M., & Salarian, M. (2024). Conditioned contract and will with emphasis on Imam Khomeini's thought. *Matin Magazine, 26*(104), 1-28. https://matin.ri-khomeini.ac.ir/article_209391.html (In Persian)
6. Bahrami, H. (2003). *Abuse of rights: Comparative study in Islamic law and other legal systems*. University of Tehran. (In Persian)
7. Barnett, R., & Becker, M. (1987). Beyond reliance: Promissory estoppel, contract formalities, and misrepresentations.
8. Beale, H. (2004). *Chitty on contracts* (Vol. 1, 13th ed.). Sweet & Maxwell.
9. Beatson, J. (2020). *Anson's law of contract* (31st ed.). Oxford University Press.
10. Blum, A. B. (2007). *General rules of contracts*. Wolters Kluwer Publishing.
11. Burrows, A. (2015). *English private law* (5th ed.). Oxford University Press.
12. Cartwright, J. (2006). *Protecting legitimate expectations and estoppel in English law* (Vol. 3). Netherlands Comparative Law Association.
13. Chitty, J., & Beale, H. (2023). *Chitty on contracts* (Vol. 1, 35th ed.). Sweet & Maxwell, Thomson Reuters.
14. Emami Khansari, M. (1947). *Margin of the first Ali al-Makasib*. (In Arabic)
15. Flemegas, J. (2001). Comparative editorial remarks on the concept of good faith in the CISG and the PECL. *Pace International Law Review, 13*(2), 398-406. https://doi.org/10.58948/2331-3536.1216
16. Feiz, M., & Khandani, P. (2019). The nature of the estoppel rule and its function in Iranian and English law. *Journal of Political and International Research, 10*(40), 261-280. (In Persian)
17. Fouracre, A. (2009). Don't waiver on exercising your right to terminate. *Bristows' Monthly Technology, Media and Telecommunications E-Newsletter*.
18. Farnsworth, E. A. (1995). The duties of good faith and fair dealing under the UNIDROIT Principles, relevant international conventions and national laws. *Tulane Journal of*

International and Comparative Law, 3(1), 47-63.

19. Garner, B. (2009). *Black's law dictionary*. Thomson Reuters.
20. Gayard, E. (1986). *Estoppel or the prohibition of contradiction in another language* (N. Sobkhiz, Trans.). International Services Office. (In Persian)
21. Glusman, D. (2007). *Fiduciary duties and liabilities*. Wolters Kluwer Business.
22. Gold, A. S. (2009). A property theory of contract. *Northwestern Law Review, 103*(1), 2-61. https://ssrn.com/abstract=1350011
23. Herati, M. (2023). The rescission clause in recent reforms of French civil law and the legal and judicial limitations of its application from the perspective of Iranian law. *Quarterly Journal of Comparative Law Studies, 1*(14), 563-582. https://doi.org/10.22059/jcl.2023.342657.634352 (In Persian)
24. Hogg, M. (2011). *Promises and contract law*. Cambridge University Press.
25. Honnold, J. (2023). *Uniform law for international sales under the 1980 United Nations Convention* (3rd ed.; J. Luo & G. Peng, Trans.). Springer Nature.
26. Jafari Langroodi, M. J. (2017). *Civil law course: Law of obligations* (10th ed.). University of Tehran. (In Persian)
27. Jafari Langroodi, M. J. (2017). *Civil law course: Law of obligations* (10th ed.). University of Tehran. (In Persian)
28. Jafarzadeh, M. G., & Simaei Saraf, H. (2003). Good faith in international contracts. *Quarterly Journal of Legal Research, 8*(41), 63-80. (In Persian)
29. Jaffey, P. (1998). A new version of the reliance theory. *Northern Ireland Legal Quarterly, 107*, 107-138. https://doi.org/10.2139/ssrn.3800100
30. Jansen, N., & Zimmermann, R. (2018). *Commentaries on European contract law* (1st ed.). Oxford University Press.
31. Jourdan, P. (2006). *Principles of civil responsibility* (M. Adib, Trans.). Mizan Publications. (In Persian)
32. Karimi, A., Javaherkalam, M. H., & Zarang, A. H. (2024). Derogation from the rescission clause: Criticism and analysis of judicial practice with a view to French and English law. *Quarterly Journal of Research and Development in Comparative Law, 7*(24), 114-169. https://doi.org/10.22034/law.2024.2045094.1479 (In Persian)
33. Karimi, A., & Shabani Kandsari, H. (2014). The logical relationship between the rule of no harm and the Western rule of abuse of rights. *Comparative Research on Islamic and Western Law, 1*(2), 135-165. https://doi.org/10.22091/csiw.2015.567 (In Persian)
34. Katouzian, N. (1997). *General rules of contracts* (Vol. 3, 2nd ed.). Publishing Company in Cooperation with Bahman Borna. (In Persian)
35. Katouzian, N. (2014). *General rules of contracts: Termination of contract* (Vol. 5, 8th ed.). Publication Joint Stock Company. (In Persian)

36. Khoei, S. A. Q. (1995). *The trustworthy trustee of al-Urwah al-Wathqi* (Vol. 2). Publications of the Dar al-Ilm School. (In Arabic)
37. Kustroba, A. (2013). The functioning of right-deprivation mechanism out of suspensive and resolutive conditions of the deal (The operation of the mechanism of termination from the resolutive and suspensive conditions of the transaction). *Family Law of Ukraine, 10*, 210-217. https://hal.science/hal-02557844 (In Russian)
38. Lacantinerie, B. (1902). *Theoretical and practical treatise on civil law: Obligations* (12th ed.). Library of the Society for the Collection of Laws and Decrees. (In French)
39. Lando, O., & Beale, H. (2007). *Principles of European contract law: Parts I and II*. Kluwer Academic Publishers.
40. Lando, O., Zimmermann, R., Clive, E., & Prüm, A. (2003). *Principles of European contract law: Part III* (Vol. 2). Kluwer Law International.
41. Larombière, M. (1885). *Theory and practice of obligations* (Vol. 2, 1st ed.). Durand and Pedone-Lariel Publishers. (In French)
42. Malaurie, P., & Stoufflet, J. (2016). *Law of obligations* (Vol. 1, 5th ed.). LGDJ Lextenso. (In French)
43. Mazeaud, H. (1978). *Lessons in civil law: Obligations* (Vol. 1, 6th ed.). Motchrestien. (In French)
44. Mirshekari, A., & Madadi, S. (2023). A study of two cases on non-profit. *Quarterly Journal of Research and Development in Comparative Law, 6*(18), 87-114. https://doi.org/10.22034/law.2023.1989711.1223 (In Persian)
45. Mohammadi, Q., Javaherkalam, M. H., & Jamali, M. (2022). The effect of "nullity" and "dissolution" of a contract on its condition: Providing a rule for the "independence of a term from the contract" from the perspective of Islamic law and judicial practice. *Quarterly Journal of Research and Development in Comparative Law, 5*(17), 83-116. https://doi.org/10.22034/law.2021.533203.1088 (In Persian)
46. Mohaqeq Damad, S. M., et al. (2012). *Contract law in Imamiyyah jurisprudence* (Vol. 1). SAMT. (In Persian)
47. Mohaqeq Damad, S. M. (2016). *General theory of conditions and obligations in Islamic law* (Vol. 1, 4th ed.). Islamic Sciences Publishing Center. (In Persian)
48. Mousavi Bojnourdi, M. (2009). *Jurisprudential rules* (Vol. 2, 2nd ed.). Majd. (In Persian)
49. Parsapour, M. B. (2003). Acquittal in Iranian and English law. *Quarterly Journal of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law Research, 1*(3-4), 60-81. (In Persian)
50. Qashqai, H. (1997). *The method of interpreting private contracts in Iranian law and contemporary legal systems* (1st ed.). Islamic Propaganda Office Publication Center. (In Persian)
51. Renault Brahinsky, C. (2020). *L'essentiel des grands arrêts du droit des obligations*.

Gualino.

52. Sadr, S. M. B. (1996). *Research in the science of principles*. Institute of the Encyclopedia of Islamic Jurisprudence. (In Arabic)
53. Safaei, S. H., Kazemi, M., Adel, M., & Mirzanejad, A. (2013). *International sales law: Review of the 1980 International Sales Convention with a comparative study in the laws of Iran, France, England and the United States of America* (7th ed.). University of Tehran. (In Persian)
54. Safaei, S. H. (2003). *Articles on civil and comparative law* (2nd ed.). Mizan. (In Persian)
55. Shahidi, M. (1998). *Formation of contracts and obligations* (1st ed.). Hukuddan Publications. (In Persian)
56. Shahidi, M. (2018). *Civil law: Contractual terms* (Vol. 4, 6th ed.). Majd. (In Persian)
57. Sharaei, E., Yazdanian, A., & Abbasian, R. (2018). The actual and legal termination of suspended contracts with a view to French law. *Journal of Legal Studies of the University of Shiraz, 10*(1), 129-160. https://doi.org/10.22099/jls.2018.24657.2314 (In Persian)
58. Simpson, J., & Weiner, E. (2004). *Oxford English dictionary* (Vol. 3). Oxford University Press.
59. Stark, B. (1972). *Droit civil: Obligations*. Librairies Techniques. (In French)
60. Stone, R. (2009). *The modern law of contract* (4th ed.). Cavendish.
61. Stone, R., & Cunnington, R. (2007). *Text, cases and materials on contract law* (1st ed.). Routledge-Cavendish.
62. Toulet, V. (2005). *Droit civil: Les obligations* (1st ed.). Éditions Paradigm.
63. Treitel, G. (2003). *The law of contract* (11th ed.). Thomson Reuters.
64. Vogenauer, S. (2015). *Commentary on the UNIDROIT Principles of international commercial contracts*. Oxford University Press.
65. Yazdanian, A. (2007). *General rules of civil liability* (Vol. 1). Mizan. (In Persian)
66. Yazdanian, A. (2009). An analysis of suspension in the dissolution of a contract in Imami jurisprudence and French law. *Journal of Islamic Studies: Jurisprudence and Principles, 41*(82), 205-232. (In Persian)
67. Zimmermann, R., & Whittaker, S. (2000). *Good faith in European contract law* (Vol. 12). Cambridge University Press.